



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی  
 دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر  
 شماره چهل و هشتم - تابستان ۱۴۰۰ - از صفحه ۱۲۰ تا ۱۳۵  
<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>  
 ۲۷۱۷-۴۳۰۱ شاپا الکترونیکی



## مقاله پژوهشی: تمثیل‌های حیوانات (فابل) در شعر ناصر کشاورز

سارا وثوقیان منش<sup>۱</sup>، جلیل نظری<sup>۲\*</sup>، محمدهادی خالق زاده<sup>۳</sup>

چکیده:

معروف‌ترین قسم تمثیل فابل یا تمثیل حیوانی است که در آن هر حیوان ممثّل تیپ یا گروهی از افراد جامعه می‌باشد. معمولاً شاعران و نویسندگان کودک به خاطر جذب کودکان به داستان‌ها از این نوع تمثیل بهره جسته و داستان‌شان را از زبان حیوانات بیان می‌کنند؛ یکی از این شاعران، ناصر کشاورز، شاعر و نویسنده‌ی نوگرا و صاحب سبک معاصر ماست. از آنجایی که در رابطه با شعر کودک فقط به نقش و جایگاه فابل در آموزش کودکان ۶ تا ۱۲ سال (با نگاهی به فارسی سوم و چهارم ابتدایی) در فصلنامه‌ی پویا توسط شیدا اچرش پرداخته شده است؛ سعی بر آن است تا با روش تحلیل محتوای کیفی به اهداف و اهمیت بررسی این تحقیق جهت گشودن دریچه‌ای نو به روی والدین، مربیان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت کودکان بپردازیم و آنان را به بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر در خصوص مفاهیم تمثیلی اجتماعی نهفته در شعر کودکان تشویق کنیم. حال پرسش این است که کشاورز از چه حیوانات و داستان‌هایی به عنوان تمثیل در شعر بهره جسته است و چرا؟ در نهایت به این نتیجه دست یافتیم که داستان‌های دارای تمثیل حیوانی ناصر کشاورز بیشتر همان داستان‌های تمثیلی کلیله و دمنه است که به صورت نظم نوشته شده است تا اینچنین داستان‌های آموزنده را به طور غیرمستقیم به کودکان و نوجوانان بشناساند و کودکان را با دنیای مشترک انسان و حیوان آشنا سازد.

واژگان کلیدی: تمثیل، فابل، کشاورز، قصه‌ی کودکان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج. ایران. [vesog1394@gmail.com](mailto:vesog1394@gmail.com)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج. ایران. [gnazary0034@gmail.com](mailto:gnazary0034@gmail.com)

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج. ایران. [asatirpars@yahoo.com](mailto:asatirpars@yahoo.com)

#### مقدمه

دامنه‌ی شعر کودک بسیار گسترده و متنوع است. هرچیزی از مفاهیم انتزاعی و عاطفی گرفته تا طبیعت و جامعه و مناسبات انسانی و محیط و اشیاء پیرامون و طبیعت و... می‌تواند موضوع شعر کودک قرار گیرد. علاوه بر این‌ها شعر کودک به عنوان ابزاری برای تعلیم و تربیت و آموزش به کار می‌رود. در این مقاله به بررسی تمثیل‌های حیوانی در اشعار ناصر کشاورز می‌پردازیم. در ابتدا سعی شده است تا به طور اجمالی به بیان مسأله بپردازیم و سپس پیشینه، روش تحقیق و اهداف و اهمیت موضوع را بیان کنیم. در ادامه، ناصر کشاورز و آثار او را به خوانندگان معرفی کرده و سعی شده تا به طور خلاصه و مفید تمثیل و فابل را تعریف کنیم؛ سپس اشعار چند کتاب کشاورز مانند: فرشته‌ای از آسمون، پرواز سخت لاک‌پشت، لاک‌پشت و دام آهو و خرگوش و جنگ شیرها را مورد بررسی قرار داده‌ایم و حیواناتی را که کشاورز به عنوان تمثیل از آن‌ها استفاده کرده بیرون کشیده و مفهوم تمثیلی آن‌ها را بیان کرده و سپس پیام اخلاقی که از هر داستان برداشت می‌شود نیز ذکر کرده‌ایم.

#### بیان مسأله

شاعران کودک و نوجوان، آموزش مفاهیم مجازی و اخلاقی را از اهداف اصلی سرودن شعرهایشان می‌دانند و به همین دلیل سعی بر آن دارند تا بتوانند سروده‌های خود را برای کودکان و نوجوانان جذاب تر جلوه دهند و به گونه‌ای آنها را سرگرم شعرهای خود کنند که هیچ علائمی از خستگی و بی میلی در آن‌ها نمایان نشود و پیام شعرهایشان را به خوبی انتقال دهند. بی شک بیان داستانی و حکایت‌وار سروده‌ها، آن‌هم از زبان حیوانات بهترین روش، جهت تحقق اهدافشان می‌باشد. زیرا حیوانات و تنوع در آنها بهترین گزینه جهت سرگرم کردن کودکان و برانگیختن احساسات آنها می‌باشد. و از طرفی حیوان در قصه، شخصیتی مجازی، تمثیلی، آموزشی می‌باشد که سراینده می‌تواند فواید اخلاقی اجتماعی و سیاسی خود را در آنها نهفته دارد. ناصر کشاورز از شاعران معاصر ماست؛ وی برای آنکه کودکان را از ابتدا بدون اینکه خستگی و ملالی در وجود آنها ایجاد کند با مفاهیم اخلاقی و سیاسی آگاه سازد به شخصیت‌های حیوانی که هر کدام تمثیلی از شخصیت‌های انسانی می‌باشد روی آورده است و از این طریق مفاهیم اصلی شعر خود را با استفاده از فابل‌های تمثیلی حیوانی بیان کرده است. این پژوهش با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری ویژگی‌های سنی و رشدی کودکان در یادگیری مفاهیم مجازی و اخلاقی و محبوبیت شخصیت‌های حیوانی در نزد آنها، به بررسی فابل‌های ناصر کشاورز و تمثیل‌های حیوانی آن می‌پردازیم.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

در زمینه ی شعر کودک داشته‌ها و نداشته‌های زیادی موجود است که پژوهشگر تمامی تلاشش را می‌کند تا تعدادی از شعرهای ناصر کشاورز را بررسی کند و در انتها دریچه‌ای نو در این باب به روی والدین، مربیان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت کودکان گشوده شود و این بزرگواران را به بررسی‌های عمیق‌تر و دقیق‌تر در خصوص مفاهیم تمثیلی اجتماعی نهفته در شعر کودکان تشویق کند هم اکنون کودکان در مراکز مختلف بیشتر از اشعار پراکنده و گاه غیر هدفمند بهره می‌گیرند که لازم است تحول و تغییری از این جهت صورت گیرد و کودکان از سال‌های پایه با آثار شاعران ایرانی آشنا شوند.

### پیشینه‌ی پژوهش

هرچند ناکنون تمثیل و قصه‌های حیوانات به اشکال مختلف در آثار داستانی و تعلیمی به کار رفته است، اما بحث در مورد ویژگی‌های این حکایت‌ها و نقش آن‌ها در شعر کودک به خصوص اشعار ناصر کشاورز به چشم نمی‌خورد. از جمله می‌توان به مقاله‌ی فابل‌های لافونتن در داستان‌های کودکان و نوجوانان در اولین همایش ملی ادبیات کودک و نوجوان سال ۱۳۹۴ نوشته پوران یوسفی کرمانی، نقش و جایگاه فابل در آموزش کودکان ۶ تا ۱۲ سال (با نگاهی به فارسی خوانداری سوم و چهارم ابتدایی، (۱۳۹۶) در فصلنامه پویا در آموزش علوم تربیتی و مشاوره.. دوره‌ی سوم شماره ۶ نوشته شیدا اچرش. نقش شخصیت‌های حیوانی داستان‌ها در دنیای کودکان، (۱۳۹۸) اثر الهه عزیزی فرد که به انواع فابل و علل گرایش به آن را گزارش می‌دهد.

شهامت و شتاب مروری بر کارنامه‌ی ناصر کشاورز در عرصه‌ی شعر نوجوان... شهرام رجب‌زاده (پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۳۱ که در این مقاله فقط به دیدگاه‌های ناصر کشاورز در رابطه با شعر نوجوان در میان آثارش پرداخته است.

چنانچه مشاهده می‌کنیم هیچ تحقیقی در رابطه با ناصر کشاورز و فابل‌های داستانی او انجام نگرفته است.

### روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است و جامعه‌ی آن شامل ۱۵ کتاب است که از این میان ۴ داستان را به عنوان نمونه بررسی کرده ایم و نمونه، کل تمثیل‌های موجود در این فابل‌ها ۳۰ تمثیل می‌باشد.

### معرفی ناصر کشاورز

یکی از شاعران معاصر که اشعارش از زبان حیوانات بیان شده است و کتاب تمثیلی تعلیمی کلیله و دمنه را به نظم درآورده تا کودکان را با تعالیم اخلاقی و اجتماعی آشنا سازد ناصر کشاورز می‌باشد؛ وی در سال ۱۳۴۱ در تهران چشم به جهان گشود. ناصر کشاورز شعر کودک را با همکاری مجله‌ی کیهان بچه‌ها شروع کرد. این شاعر کودک و نوجوان فعالیت در ادبیات، به ویژه در بخش کودک و نوجوان را از سال ۱۳۶۱ آغاز کرده است. از وی به عنوان یکی از شاعران نوگرا و صاحب سبک در شعر کودک و نوجوان نام می‌برند؛ که اولین شعرش در سال ۱۳۶۲ چاپ شد. آثار وی چنان دلنشین و جذاب است که برای بزرگسالان نیز جذابیتی مخصوص به خود دارد.

### آثار ناصر کشاورز

از آثار او می‌توان به شعرهای (۱) من و مرغابی‌ها که اولین شعر او در سال ۶۵ بود، (۲) نی نی کوچولو (مجموعه ۱۲ جلدی)، (۳) می نی نی و مامانش «مجموعه ۱۲ جلدی»، (۴) دویدم و دویدم «مجموعه ۴ جلدی»، (۵) کلاغ، تلخ و شیرین، (۶) این طرف لطفاً هیس (۷)، گنجشک و پروانه و (۸) راز تاک، جدیدترین شعر وی اشاره کرد.

### کودک و شعر

از دیرباز نقش آموزشی و تربیتی برای شعر قائل بودند این نقش تربیتی شعر بویژه برای کودکان و نوجوانان مورد تاکید است هنوز هم بر خلاف نظر کسانی که شعر را تنها هنر زیبا به حساب می‌آورند و برخلاف نظر طرفداران مکاتبی چون مکتب هنر برای هنر و ... نقش تعلیمی شعر کودک محفوظ و مورد تائید است شعر کودک در کنار کارکردهای دیگرش و شاید مقدم بر سایر کارکردها مانند تفریح و سرگرمی و ایجاد لذت در پی تحکیم و تایید بنیان‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه است. «طفل باید با تمام وجودش و با قلبش نیکی و انسانیت و وارستگی را درک کند و فضیلت آن را بر خودخواهی و

خشونت و نژاد پرستی بازشناسد. شعر نه فقط باید شادی کودکانه را منعکس سازد بلکه باید رنگ اجتماعی داشته باشد و احساس وظیفه‌ی شهروندی طفل را تقویت کند» (علی پور، ۱۳۸۵: ۲۷)

پس از انقلاب اسلامی در زمینه شعر کودک یکی از پرکارترین دوران در طول تاریخ شعر کودک در ادبیات فارسی بشمار می‌آید که به طور کلی مضامین مربوط به اشعار این دوره را می‌توان به گونه‌های مختلف تقسیم بندی کرد. اما برخی تعاریف علمی تر به نظر می‌رسد مانند تقسیم بندی که "کیانوش" ارائه داده است: «مضمون وصفی، مضمون تمثیلی، مضمون رفتاری، مضمون آموزشی». (کیانوش، ۱۳۵۵: ۹۶-۱۱۹)

### تمثیل

«تمثیل به معنای مثل آوردن، تشبیه کردن و نگاشتن پیکر و نمودن صورت چیزی است و در ادبیات فارسی و عربی، داستان، حدیث، شعر و مانند آن را به عنوان مثال آوردن برای تأیید گفته و نوشته‌ی خود یا اثبات درستی آن به کار می‌برند. یا اینکه حکایاتی را برای اثبات هدفی گفتن است.» (انوری، ۱۳۸۲: ۶۶۱)

حکایت و داستان‌های تمثیلی گاهی به صورت تمثیل حیوانی یا فابل (Fable) بیان می‌شوند. فابل از ریشه‌ی لاتین *fabula* به معنی بازگفتن است. بر روایت کردن تأکید دارد. و در اصطلاح ادبی فابل داستان ساده و کوتاهی است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوان هستند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. البته فابل گاهی نیز برای داستان‌های مربوط به موجودات طبیعی یا وقایع خارق العاده و افسانه‌ها و اسطوره‌های جهانی و داستان‌های دروغین و ساختگی به کار می‌رود. (وراوینی، ۱۳۷۶: ۶۳۷) بدون شک، یکی از لذت‌بخش‌ترین و پرفرودارترین انواع داستان‌ها برای خردسالان و بزرگسالان، حکایت‌هایی هستند که از زبان حیوانات نقل شده‌اند زیرا این حکایات هم کوتاه و ساده و هم دارای شخصیت‌های آشنا و مضمون‌های اخلاقی و اجتماعی عام و جهانی هستند.

### تمثیل‌های حیوانات در آثار کشاورز

در این قسمت داستان‌هایی که از زبان حیوانات بیان شده‌اند و نقش و تمثیل هر کدام از حیوانات، گیاهان و ... در قصه‌ها توصیف و بررسی می‌شود. هم چنین درون مایه و نتیجه اخلاقی و اجتماعی فابل‌ها نیز بیان می‌گردد.

### فرشته ای از آسمون:

در داستان فرشته ای از آسمون شخصیت اصلی آن، فرشته ای است که از جایگاه اصلی و یارانش جدا و گم گشته است و در جستجوی دوست خوب و همجنس خودش می‌باشد. چنانچه مولانا می‌فرماید:

هرکسی کو دور شد از اصل خویش      بازجوید روزگار وصل خویش  
(مولانا، ۱۳۸۷: ۷)

یکی بود یکی نبود      روی گنبد کی بود      یه فرشته ی قشنگ      نشسته بود      بال و پرش رو بسته  
بود.      دلش کمی شکسته بود.      طفلکی توی آسمون      روی پل رنگین کمون      جا مونده  
بود

فرشته ها رفته بودند و این یکی      تنهای تنها مونده بود.      دلش یه دوست خوب می‌خواست .  
اما نمی‌دونست کجاست. (کشاورز، ۱۳۸۰: ۱).      در اینجا فرشته تمثیل از انسان‌های پاک و جست‌وجوگر  
جایگاه واقعی خود می‌باشد .

و این فرشته کوچولوی ما دوستی از جنس آسمان آبی و آفتابی می‌خواست؛ دوستی که همیشه مهربون  
باشه و دل کسی رو زخم نکنه.

دوستی که مثل آسمون آبی باشه.      نگاهش آفتابی باشه ... تخم نکنه      با حرف بد      دل منو زخم  
نکنه. (همان)

و در این مسیر جستجو، با چیزهایی مانند گربه سیاه، تفنگ، موش، کامیون، طاووس و ... روبرو  
می‌شود و با آن‌ها به گفت و گو می‌پردازد ولی هیچ کدام را نمی‌تواند بپذیرد.

اولین حیوانی که فرشته کوچولو با آن برخورد می‌کند گربه است که این گربه سیاه بعد از معرفی  
خودش خواستار دوست یک دل شدن با فرشته می‌شود:

گربه اومد نزدیک او      خُر خُر ی کرد و گفت: «میو!»      من گربه ای زرنگم      یه پهلونم می‌تونم  
بجنگم

من عاشق شکارم      جز این کاری ندارم      از توی حوض با یک چنگ      ماهی رو در میارم  
از صبح می‌رم تو کوچه دنبال موش و جوجه.      می‌آی با هم دوست باشم      دو مغز بادوم توی  
یک پوست باشیم؟ (همان: ۲)

ولی فرشته‌ی مهربون ما که رنگ سفیدی و پاکی داره با گربه‌ی سیاه کثیف که تمثیلی از انسان‌های آزار رسان و کاسب که فقط در پی بدست آوردن مال و دارایی هستند. و با زور و جنگ آن را بدست می‌آورند. دوست و دو مغز بادام توی یک پوست نمی‌شود.

و در ادامه مسیر با کلاغی روبرو می‌شود که خودش رو دزد و سخن چین معرفی می‌کند:

من یک کلاغ دزدم هرچی بخوای میرم برات می‌دزدم. من از تمام دنیا برات خبر می‌آرم (همان: ۳)

کلاغ در فرهنگ ما، از دیرباز به عنوان چهره‌ای منفی در شعر و داستان معرفی شده است. صفاتی چون خبرکش، سیاه، زشت، پلشت، حسود، دزد، و.. دارد و در اینجا نیز تمثیلی از افراد سخن‌چین و دزد می‌باشد.

ولی باز فرشته‌ی کوچولو که ذات پاکی دارد دست رد بر درخواست دوستی کلاغ می‌زند و به مسیر خودش ادامه می‌دهد تا مگر به اصل خود دست یابد.

فرشته‌ی دلشکسته در مسیر راه به چشمه‌ای می‌رسد. چشمه در اینجا تمثیلی از انسان‌های آرامش دهنده است که گاهی می‌توان برای رفع خستگی و کم شدن غم و اندوه در کنار آنها نشست: فرشته باز دلش شکست رفت توی کوه کنار یک چشمه نشست. می‌خواست کمی آب بخوره نون بخوره (همان: ۴)

که ناگهان با تفنگی روبرو میشود که خودش را اینگونه معرفی می‌کند:

من می‌تونم روی هوا شکار کنم پرنده را آهو و آدم می‌کشم هر چی ببینم می‌کشم. قوی تر از همه منم خیال نکن فقط یه چوب و آهنم. (همان)

و بعد از معرفی خودش به فرشته‌ی قصه‌ی ما درخواست دوستی میدهد اما فرشته در پاسخ تفنگی که تمثیل از انسان‌های بی رحم و بی احساسی که فقط در پی رسیدن به هدف خود می‌باشند اینگونه بیان می‌دارد: نه نمی‌خوام برو کنار از سر رام برو تو یک تفنگی فقط می‌خوای بجنگی فکر می‌کنی زرنگی یه چوبی و یه لوله دلت چیه؟ گلوله (همان: ۵)

فرشته به مسیر خود ادامه می‌دهد تا به طاووس مغرور قصه‌ی ما میرسد:

طاووسه گفت: سلام کن! نگاه به این پرام کن طاووسم قشنگم و ملوسم نگاه نکن به پای من قشنگر از پرای تو پرای من! غش می‌کنن بلبلا از صدای من!

ولی باز فرشته دست رد بر سینه‌ی طاووس می‌زند و پذیرای دوستی با طاووس مغرور و خودشیفته نمی‌شود:

فرشته گفت: نه نمی‌خوام، تعریف نکن دیگه برام توی دلت پر از غروره دوست نمیشم با تو مگر که زوره؟ (همان: ۶)

در ادامه ی مسیر با کامیونی برخورد می‌کند:

رفت وسط جاده نشست      یه کامیون از راه رسید      فرشته رو تو جاده دید.      جیغ زد و  
ترمزی کشید

نگاه به توی راه کرد      فرشته رو نگاه کرد      گفت: این چیه؟ فرشته      قلبمو کرد  
برشته!

عجب چیز قشنگیه      کامیونه خاموش شد      پیش فرشته کمتر از یه موش شد.

و کامیون خودش را اینگونه معرفی می‌کند:

بین دلم چه داغه      چشمم دوتا چراغه!      تو جاده ها دود می‌کنم      هوارو نابود می‌کنم (همان: ۷)

ولی چنان شیفته ی فرشته شده که می‌گوید:

ولی تو یار من شو      هر روز سوار من شو (همان: ۸)

ولی باز فرشته دوستی با کامیون قصه‌ی ما که تمثیل از انسان‌های شیفته و عاشق ظاهر می‌باشد را  
نمی‌پذیرد و ادامه ی مسیر می‌دهد تا به موش دزد و زیرک می‌رسد:

موشه فرشته رو دید.      بدو بدو رفت پیش او      گفت: «هرچی بخوای من میارم      تو انبارم، برنج و  
روغن دارم

ولی فرشته به حرفای موش توجهی نمی‌کند و به ادامه ی مسیر ادامه می‌دهد.

در نهایت به روستایی زیبا می‌رسد که گویا همان چیزی است که به دنبالش بوده و به قول قیصر امین  
پور:

در میان راه، در یک روستا      خانه ای دیدیم، خوب و آشنا (امین پور، ۱۳۹۱: ۳۱۲)

بال زد و رفت      به یک ده قشنگ رسید.      از آسمون      تو خونه ای      یه عالمه فرشته  
دید!

..تو اون خونه دخترکی ایستاده بود      یه خواهش از خدا می‌کرد.      اونم دلش یه دوست  
می‌خواست

اما نمی‌دونست کجاست!      فرشته تا دوستاشو دید      از خوشحالی بالا پرید!

فرشته ها      گفتند به او: کجا بودی؟ ... این دختره دنبال تو می‌گرده      بین چقدر نشسته گریه  
کرده



فرشته گفت: من هم به فکر اونم تنها تو آسمونم من عاشق دل‌های مهربونم فرشته رفت توی  
دل دختره

(کشاورز، ۱۳۸۰: ۹)

پیام اخلاقی و اجتماعی که از این داستان برداشت می‌شود همان ضرب‌المثل مشهور:

کند همجنس با همجنس پرواز کبوتر با کبوتر باز با باز

(نظامی، ۱۳۶۷: ۱۴۹)

و اینکه انسان باید برای رسیدن به جایگاه اصلی خودش تلاش کند و در جست‌وجو باشد تا نهایت  
به آن دست یابد.

### پرواز سخت لاک‌پشت

ما داستان لاک‌پشتی که با دو مرغابی دوست بود را از کلاس اول ابتدایی می‌خوانیم. لاک‌پشتی با دو  
مرغابی دوست بود و در کنار برکه‌ای که دیگر خشک شده است زندگی می‌کنند. هنگامی که مرغابی  
ها برای سفر آماده شدند، لاک‌پشت از آن‌ها تمنا می‌کند که او را تنها نگذارند و چوبی آوردند تا  
لاک‌پشت به دندان گیرد و مرغابی‌ها دوسر آن را بگیرند و با هم پرواز کنند. و در این میان تأکید  
مرغابی‌ها فقط و فقط بر این است که لاک‌پشت به هیچ وجه در طی پرواز سخن نگوید؛ اما در هنگام  
پرواز، لاک‌پشت در جواب کسانی که از این صحنه تعجب نموده بودند دهان می‌گشاید که سقوط  
می‌کند:

چون بود وضع لاک‌پشت خیلی عجیب و خنده‌دار کردند او را مسخره با خنده و داد و  
هوار

یک‌دفعه با فریاد گفت: تا کور باشد چشمتان اما دهانش باز شد ول شد میان  
آسمان (همان، ۱۳۸۳: ۶)

این داستان شبیه به حکایت زاغی است که قالب پنی‌ر خود را در پی بی‌موقع زبان‌گشودن از دست  
داد.

ولی در داستانی که کشاورز بیان می‌کند لاک‌پشت قصه نمی‌میرد و بر پشت خرسی فرود می‌آید ولی  
بعد از آن بسیار کم حرف و نجیب می‌ماند.

و پیام اصلی و نهفته در این تمثیل حیوانی، همان هست که حافظ شیرین سخن بیان می‌دارد:

گفت آن یار کز او گشت سر دار بلند  
جرمش آن بود که اسرار هویدا می‌کرد  
(حافظ، ۱۳۸۲: ۴۱۲)

پس سخن‌های بیهوده که نتایج آن بررسی نشود باعث سقوط سالک راه حق می‌شود. در این داستان شخصیت‌های اصلی آن لاک پشت و دومرغابی می‌باشد که:  
**لاک‌پشت:** تمثیل از انسان‌های بیهوده گو که حرف زدن بيموقعشان باعث سقوط آنان میشود و به خاطر زبانشان به منزل نمی‌رسند.  
**برکه:** تمثیلی از حقیقت و راستی گمشده  
**مرغابی:** تمثیل از راهنمایان و هدایت‌کنندگان راه حق و درستی.

#### لاک پشت و دام آهو

ناصر کشاورز این داستان از کلیله و دمنه را به نظم کشیده است تا کودکان بهتر بتوانند پیام این داستان و شخصیت‌های تمثیلی آن را در دنیای شعر درک کنند.  
شخصیت‌های این داستان: چشمه، لاک‌پشت پیر، موش، کلاغ و آهو هستند.  
**چشمه:** معمولاً چشمه به دلیل جوشان بودن و زلال بودنش تمثیلی از انسان‌های پاک و درون روشن است که حقیقت را همان گونه که هست نشان می‌دهد و در کنار این اشخاص زیستن باعث آرامش می‌شود و به همین علت معمولاً حیوانات در جنگلی که چشمه‌ای دارد زندگی می‌کنند.  
کنار چشمه‌ای کوچک به دور از شهر یا آدم سه یار مهربان بودند همیشه در کنار هم  
(کشاورز، ۱۳۸۴: ۱)

**آهو:** در زبان فارسی، دو واژه آهو وجود دارد که نخستین واژه به معنی عیب واژه‌ای مرکب در زبان فارسی میانه است: آ پیشوند منفی ساز و هو به معنی نیکی و خوبی است. این واژه در آثار خاقانی، عطار و گرگانی به کار رفته است و دومین آهو به معنای همان آهوی جانور است که در زبان ایرانی میانه آهو خوانده می‌شده است و به معنی دونده سریع است. (مباشری، کریمی، ۱۳۹۴: ۲۸)  
در اصطلاح عرفانی تمثیلی از انسان‌های رمنده و دونده است. ناصر کشاورز نیز این حیوان را با همین مشخصه در داستان لاک‌پشت و دام آهو معرفی می‌کند:

ولی یک روز وقت ظهر از آن دور آمد آهوئی به دو، وحشت‌زده، می‌رفت سراسیمه به هر سوئی (همان)

**کلاغ:** هرچند کلاغ بیشتر نقش منفی سخن چین و گاهی دزد را دارد ولی در این داستان تمثیلی از خبردهنده‌ی مثبت و یاری‌رسانی می‌باشد که از حال دوستان خود خبر کسب می‌کند:

کلاغ از آسمان‌ها دید که آهو رفته تا آن دور ولی افتاده پاهایش میان بند و دام و تور کلاغ و موش با سرعت به او خود را رسانیدند (کشاورز، ۱۳۸۴: ۳)

**موش:** تمثیلی از انسان‌های یاری‌رسان و دلسوز و صاحب‌اندیشه می‌باشد:

نشست آن موش فکری کرد به آهو گفت: فهمیدم بین در حل این مشکل چه طرح و نقشه‌ای چیدم.

(همان: ۵)

**لاک‌پشت:** یکی از موجوداتی که در طبیعت دو گونه زیست دارد لاک‌پشت است. این جاندار به دلیل داشتن لاک سنگی برای کودکان بسیار جالب و زیباست. در این داستان لاک‌پشت تمثیلی از انسان‌های آرام و خونسرد که در مواقع گرفتاری اطرافیانش آن‌ها را به آرامش دعوت می‌کند و راه حلی جهت رهایی از مشکل بیان می‌کند:

به آن‌ها گفت: چیزی نیست نترسید و شوید آرام که الان می‌رسد از راه به این‌جا صاحب این دام

بجنب ای موش و با دندان ببر این بندها را زود (همان: ۳)

مضمون کلی این داستان تمثیلی که با زبان شعری بیان شده است می‌خواهد به کودکان بفهماند که انسان با اتحاد و همکاری و یکدلی سخت‌ترین مشکلات را نیز می‌تواند برطرف سازد.

### خرگوش و جنگ شیرها:

در حکایت خرگوش و جنگ شیرها، جنگلی داریم که تمثیلی از یک جامعه‌ی منظم و سالم هست ولی ساکنان این جامعه به دلیل یک مشکل اساسی و بزرگ یعنی؛ وجود آقای شیر، حاکم زورگو و ظالم، همگی در رنج و عذاب هستند و هیچ‌کس طعم آزادی را در این کشور زیبا نمی‌چشید:

افسوس از این جنگل که هیچ حیوان دلشادی نداشت یک جانور در زندگی احساس آزادی نداشت

(همان، ۱۳۹۳: ۲)

شیرحاکم قصه‌ی ما چشم دیدن خوش بودن ساکنان جنگل را نداشت و اگر چشمش به حیوانی برخورد می‌کرد که سرگرم بازی و شادی و یا آب خوردن و استراحت بود فوری آنها را شکار و نابود می‌کرد:

هر وقت بین راه خود می‌دید حیوانات را سرگرم بازی کردند با می‌خورند آب و غذا دنبالشان می‌کرد و بعد

یک دانه‌شان را می‌گرفت یا اینکه می‌ترساندشان تا جانشان را می‌گرفت. (همان: ۳)  
بالاخره آزار و اذیت حاکم زورگو همین طور ادامه داشت تا اینکه آن شهر قشنگ و بهشت مانند، تبدیل به جهنم شد. تا اینکه همه‌ی حیوانات با هم چاره‌ای اندیشیدند و برای آنکه از این ترس و هراس حاکم بر جامعه بکاهند نزد شاه شیر رفتند و آن را بیان کردند و شاه نیز از پیشنهاد آنها خوشش آمد و آن را پذیرفت:

گفتند ای سلطان ما داریم از تو خواهشی ما توی این فکرم که خیلی تو زحمت می‌کشی

هر روز تو دنبال ما با سعی و زحمت می‌دوی ما فکر خوبی کرده ایم تا این که تو راحت شوی

هر روز یک حیوان خودش می‌آید اینجا پیش شاه بی زحمت و بی دردسر باشد غذایت روبه راه

بله پیشنهاد ساکنان جنگل برای رهایی خودشان از رنج و عذاب این بوده است و به خیالشان با این کار هم شیر شاه راحت می‌شود و هم خودشان:

ما نیز راحت می‌شویم با این قرار و این حساب دیگر کسی مجبور نیست هر روز باشد در عذاب

خلاصه با اینکه از این قول و قرار ناراضی بودند ولی همین طور بر سر عهد و پیمان خود بودند تا اینکه یک روز قرعه به اسم جناب خرگوش می‌افتد ولی خرگوش که از هوش بالایی برخوردار بوده است چاره‌ای برای رهایی از این وضعیّت در ذهنش جرقه می‌زند و آن این است که:

خرگوش قدری صبر کرد تا بگذرد وقت قرار شیر گرسنه، آن طرف شد بی‌قرار از انتظار تا اینکه خرگوش عاقبت با حالتی گریان رسید مانند یک حیوان لنگ یک پای خود را می‌کشید

آمد جلو با گریه گفت ای پادشاه مهربان یک شیر دیگر نیز هست در جنگل  
 سرسبزمان  
 امروز یک خرگوش چاق آورده بودم با خودم آن را به زور از من گرفت من سخت  
 ناراحت شدم  
 ...گفت این غذا مال من است من پادشاه جنگلم هم شیرم و خیلی شجاع هم خوشگل و  
 خوش هیکلم

(همان: ۶)

در این میان که شیر پادشاه اسمی از شیر دیگر می‌شنود بسیار عصبانی می‌شود و قبول هم نوعی دیگر  
 مانند خودش برایش سخت بود و جویای جا و مکان آن شد و خرگوش باهوش قصه‌ی ما که از قبل  
 همه‌ی برنامه‌ریزی‌هایش را کرده بود از جا و مکان شیر که در چاهی زندگی می‌کند سخن می‌گوید و  
 شیر را بر روی چاه می‌برد:

خرگوش گفت ای پادشاه حالم بد است از ترس شیر لطفاً مرا با دست خود محکم در آغوش  
 بگیر

حالا برو نزدیک چاه لطفاً کمی خم شو ببین آن شیر و آن خرگوش توست او کرده در آن‌جا  
 کمین (همان: ۷)

شیر همین کار را انجام می‌دهد و تصویر خودش با خرگوش را در آب می‌بیند و شیر که خشم بر او  
 غلبه کرده بود گمان می‌کند تصویر آن شیر دیگر و خرگوش است و بر آن می‌شود تا با آن بجنگد:  
 زد نعره و با سر پرید در چاه آب و شد هلاک خرگوش هم آسوده شد از شر شیر  
 خشمناک

دیگر همه راحت شدند از ظلم‌های شیر زشت آن جنگل سرسبز شد مانند باغی در  
 بهشت (همان: ۸)

چنانچه می‌بینیم در این داستان فابل که از زبان حیوانات بیان شده به طور کلی فضای داستان، رعیت و  
 مردمی را که پادشاهان بر آنها ظلم می‌کرده است و از آنان با زور و ایجاد رعب و وحشت مالیات و  
 ... دریافت می‌کردند به تصویر می‌کشد و مردمی که به خاطر ترس از خون و خونریزی خود با پای  
 خود، اموالشان را اهدا می‌کردند؛ و سهمیه‌ی خواسته شده‌ی شاه را به او تقدیم می‌کردند تا دیگر ظلم

بیشتری بر آنان وارد نشود ولی در نهایت متفکری همچون خرگوش این رسم را برمی‌اندازد. و هر کدام از این حیوانات تمثیلی هستند بر نمونه های دیگر:

**جنگل:** تمثیل از جامعه

**شیر:** تمثیل از پادشاه

**حیوانات:** تمثیل از رعیت

**خرگوش:** تمثیل از افراد متفکر و باهوش

نتیجه اخلاقی و اجتماعی که ما از این داستان دریافت می‌کنیم این است که انسان در هر شرایطی باید از عقل و هوش خود جهت رهایی از مشکلات بهره‌بردار و نباید تحت هیچ شرایطی پذیرای ظلم و ستم و بی‌عدالتی باشد.

### نتیجه‌گیری

حکایت حیوانات نوعی تمثیل است که حیوانات قهرمانان این تمثیل هستند و آموزه‌های انسانی از زبان آن‌ها بیان می‌شوند. تعدادی از کتاب‌های کشاورز فراتر از داستان و حکایت است. و برای تعلیم و آموزش عرفان و اخلاق به کار رفته‌اند. و می‌توان آثارش را نمونه‌ای تمثیلی در زبان فارسی کودکان دانست که با استفاده از فابل زبان حیوانات به تذکر و یادآوری بعضی نکات اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد. کشاورز به کلیله و دمنه و مرزبان نامه توجه خاصی داشته و برای آنکه بتواند کودکان و نوجوانان را از آغاز با مسائل اجتماعی و اخلاقی این کتاب‌ها آشنا سازد از زبان شعر بهره‌جسته تا آنها را جذب این نوع داستان‌های آموزنده سازد و پیام داستان‌ها را به آن‌ها بیاموزاند.

### منابع و مأخذ

۱. امین‌پور، قیصر، (۱۳۹۱) مجموعه کامل اشعار، چاپ نهم، تهران: انتشارات مروارید
۲. انوری، حسن، (۱۳۸۲) فرهنگ فشرده سخن، تهران: سخن.
۳. حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۲) نقد و شرح غزل‌های خواجه شمس‌الدین، محمد استعلامی، تهران: سخن.
۴. کشاورز، ناصر، (۱۳۸۰)، فرشته‌ای از آسمون، تهران: کانون فرهنگی کودکان و نوجوانان
۵. .... (۱۳۸۴)، لاک‌پشت و دام آهو، تهران: نشر افق (کتابهای فندق)
۶. .... (۱۳۸۳)، خرگوش و جنگ شیرها، تهران: افق، کتابهای فندق)

۷. ....(۱۳۹۳)، پرواز سخت لاک پشت، تهران: نقره آبی. ج ششم.
۸. کیانوش، محمود، (۱۳۵۵). شعر کودک در ایران. تهران: آگه
۹. علی پور، منوچهر (۱۳۸۵)، نقد و بررسی شعر کودک، تهران: تیرگان.
۱۰. مباشری، محبوبه، کریمی طاهره، (۱۳۹۴)، تحلیل شناختی تصویر آهو در دیوان شمس، نشریه علمی - پژوهشی، ادب عرفانی، سال نهم، شماره دوم، صص ۲۵-۵۰
۱۱. مولانا، جلال‌الذین محمد (۱۳۸۷)، مثنوی معنوی، تهران: بیهق کتاب.
۱۲. نظامی، (۱۳۶۷)، گزیده‌ی خسرو و شیرین، توضیحات عبدالمحود آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ج سوم.
۱۳. وراوینی، سعدالدین، (۱۳۷۶)، مرزبان‌نامه، تصحیح محمد روشن، تهران: نشر اساطیر



**Journal of Research Allegory in  
Persian Language and Literature**  
Islamic Azad University- Bushehr Branch  
No. 48 / Summer 2021  
<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>  
pISSN 2717-431X eISSN 2717-4310



## **Original Paper** **Animal allegories (fables) in the poetry of Nasser Keshavarz**

Sara Vosoughian Manesh<sup>1</sup>, Jalil Nazari<sup>2\*</sup>, Mohammad Hadi Khaleghzadeh<sup>3</sup>

### **Abstract:**

The most famous type of allegory is fable or animal allegory in which each animal represents a type or group of people in society. Usually, children's poets and writers use this kind of allegory to tell children stories, and tell their stories in the language of animals; One of these poets is Nasser Keshavarz, a modern poet and writer with a contemporary style. Since in relation to children's poetry, only the role and possible position in the education of children aged 6 to 12 (with a look at the Persian reading of the third and fourth elementary in the Pooyesh quarterly by Sheida Echresh has been discussed; Qualitatively, let's examine the importance of examining this research in order to open a new window for parents, educators and those involved in children's education, and encourage them to study more deeply and accurately the social allegorical concepts hidden in children's poetry. What animals and stories has Keshavarz used as an allegory in poetry and why? Introduce such instructive stories indirectly to children and adolescents and acquaint children with the common world of man and animal.

**Keywords:** allegory, fable, farmer, children's story.

1. PhD student in Persian language and literature, Yasouj branch, Islamic Azad University, Yasouj. Iran. vesog1394@gmail.com

2. Associate Professor of Persian Language and Literature, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj. Iran. gnazary0034@gmail.com

3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj. Iran. asatirpars@yahoo.com